



کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران



بیانات آیت الله مصباح در سی امین نشست انجمن فارغ التحصیلان در تاریخ ۹۴/۹/۲۷

اهل «اخلاص» همنشین اهل «بطانه» و «ولیعجه» نمی شوند

«بطانه»، اما از آن جهتی که آن‌ها تلاش می‌کنند بین شما وارد شوند، می‌شوند «نفوذی». این‌ها بطانه هستند یعنی در باطن و پنهان با آن‌ها سر و کار دارید؛ و در ظاهر معلوم نیست. آن‌ها می‌گویند ما با شما ایم. آیه بعد هم می‌فرماید: وقتی در جمع شما قرار می‌گیرند می‌گویند ما هم ایمان داریم. می‌گویند ما اهل وحدتیم و همه یک هدف داریم؛ ولی این‌ها همه‌شان راست نمی‌گویند. آن وقتی معلوم می‌شود راست می‌گویند که با دیگران سر و سر نداشتند باشند.

کلمه «ولیعجه» که در آیه ۱۶ سوره توبه هست، با این معنای «نفوذی» در اصطلاح خودمان بیش تر مناسب دارد. می‌فرماید: **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً**. در مقام توبیخ، می‌گوید: چرا این طور فکر می‌کنید؛ مگر پنداشتید که خدا دست از سر شما می‌کشد و شما را رها می‌کند؟! **وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً**؛ در حالی که معلوم نشده چه کسانی اهل جهادند و ولیعجه اتخاذ نمی‌کنند؛ یعنی به دوستانی مخفی که سعی می‌کنند خودشان را وارد کنند و نفوذ کنند، اجازه ورود و نفوذ نمی‌دهند. «ولوج» یعنی ورود تا خدا این کار را انجام ندهد و شرایطی پیش نیاید که معلوم بشود چه کسانی پایدار و مقاوم هستند و زیر بار نفوذی‌ها نمی‌روند و آن‌ها را در داخل خودشان راه نمی‌دهند، خدا دست از سر جامعه شما نمی‌کشد. آن قدر شرایط پیش می‌آورد تا معلوم شود که چه کسانی واقعا در راه خدا جهاد می‌کنند و با نفوذی‌ها سر و کاری ندارند و به آن‌ها اجازه نفوذ نمی‌دهند. آن قدر باید زیر و رو بشود تا این‌ها معلوم بشود؛ چون به یک معنا اصلا هدف آفرینش این‌ها هستند و دیگران طفیلی‌اند. باید شرایطی پیش بیاید که این‌ها رشد کنند و معلوم بشود که چه کسانی

معادل واژه «نفوذ» در قرآن دو واژه است که هر کدام یک بار در قرآن ذکر شده: یکی واژه «بطانه» است و دیگری واژه «ولیعجه». در سوره آل عمران آیه ۱۱۸ خطاب به مؤمنین می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عُنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ**؛ شما رازداران و افراد محرمی از غیر خدا و پیغمبر و مانند این‌ها اتخاذ نکنید. این دوستانی که محرمانه با آن‌ها ارتباط پیدا می‌کنید و سر و سرّی با هم دارید و احیاناً در کارها با آن‌ها مشورت می‌کنید و از همدیگر کمک می‌گیرید این‌ها کسانی هستند که **لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا**؛ هر ادیتی بتوانند درباره شما اعمال می‌کنند و از هیچ چیز کوتاهی نمی‌کنند؛ **وَدُؤًا** ما عُنْتُمْ دوست دارند شما به رنج و زحمت بیفتید، همیشه گرفتار باشید، از گرفتاری شما خوششان می‌آید. **قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ**؛ حتی در میان حرف‌هایشان هم آثاری از دشمنی خواهید دید؛ یعنی حتی نمی‌توانند دشمنی‌شان را در مقام صحبت کردن هم مخفی کنند؛ **أَمَّا وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ**؛ دشمنی‌شان به همان حدی نیست که در کلام‌شان ظاهر می‌شود؛ آن‌چه در دل دارند خیلی بیش تر است. بعد می‌فرماید: **قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ**؛ ما این حقایق را برای شما بیان کردیم **إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ**؛ اگر شما اهل عقل هستید، یعنی آن قدر این‌ها واضح است که اگر کسی اهل عقل باشد، خودش می‌فهمد، اما در عین حال برای شما توضیح دادیم. دشمنی این‌ها با شما در حرف زدن‌شان هم پیداست؛ ولی آثار دشمنی آن‌ها در عمل‌شان خیلی بیش تر است. به قول خودمان آن‌ها می‌خواهند سایه شما را با تیر بزنند؛ آن وقت چه طور شما غافلید از این‌ها و با این‌ها ارتباط برقرار می‌کنید؟ **لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً**. این کلمه «بطانه» جهت پذیرش را می‌گوید، یعنی از این جهت که شما این‌ها را اهل راز خودتان قرار دادید، از این جهت می‌شوند



مقام وزرات داشتند صریح می گفتند: ما می خواهیم ایران مثل لبنان باشد؛ که اگر خانمی می خواهد بی حجاب باشد، و خانمی می خواهد صورتش هم پوشیده باشد و نقاب بزند هر دو آزاد باشند؛ این که حتما باید حجاب داشته باشند، خلاف آزادی و خلاف حقوق بشر و خلاف حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی اقتضا می کند که هر کسی هر طوری دلش می خواهد رفتار کند و ما هم که مسؤول هستیم باید این حقوق را تأمین کنیم؛ ما در این کشور یهودی، مسیحی، زرتشتی و بی دین و فاسق هم داریم، متدین و عادل و عالم و مجتهد هم داریم، و باید خواسته همه را اعمال کنیم؛ در خیابان دختر و پسر هر طور می خواهند با هم رفتار کنند، حقشان است و آزادند؛ این ها حقوق شهروندی است؛ کشورهای پیشرفته همه همین طورند و ما هم دلمان می خواهد کشوری پیشرفته باشیم؛ ما نمی توانیم بگوییم فقط همین چیزهایی که مجتهدها می گویند باید عمل بشود؛ آزادی حاکم بر همه ارزش هاست. به یکی از وزرای سابق گفته بودند که آقا این اسم وزارت، وزارت ارشاد اسلامی است و شما برای این اسلامیتش چه کار کردید؟ برای حقوق مردم، برای فرهنگ مردم، چه کار کردید؟ گفته بود: اول اسم «اسلامی» پسوندی است که رسم بوده بعد از انقلاب به کلمات اضافه شده و تشریفاتی است. وزارت ارشاد هم ربطی به اسلام ندارد؛ کار ما همان کار وزرات فرهنگ و هنر زمان شاه است؛ چه خدمتی بالاتر از دادن آزادی به مردم است؛ ما داریم سعی می کنیم هر کسی هر طور دلش می خواهد رفتار کند. این مطلب را حضرت آیت الله تسخیری نقل کردند؛ آن وزیر هم الان در لندن است.

پس این هم یک طور فکر است؛ می گویند این آخوندهای تندرو و خشونت طلب و افراطی نمی گذارند کشور پیشرفت کند؛ باید ما نفوذ کنیم و قدرت ها را در دست بگیریم تا این ها را بتوانیم سر جای شان بنشانیم تا از زیاده خواهی های شان و فضولی هایی که در کارهای مسؤولان می کنند دست بردارند؛ عملا هم گاهی احترامی به آن ها می کنیم. این معنایش این نیست که این ها دشمن کشور و عامل مزدور اجنبی هستند؛ نه! دلشان هم می خواهد واقعا برای کشور خدمت کنند؛ اما کشور ایده آل برایشان همان است که هر کسی هر طوری دلش می خواهد رفتار کند. این هم یک طور ولیجه است؛ وارد می شوند؛ قدرتی را در دست می گیرند؛ در یک جایی تظاهر می کنند به رفتاری، برای این که مقاصد خودشان را عمل کنند، ولی واقعا قصدشان هم خدمت است، البته چیزی که خودشان خدمت می دانند.

پس اگر گفتیم «ولیجه»، نگویید حتما مصداق این ولیجه بت پرست ها یا مسیحی ها بودند. نه؛ ولیجه یعنی نفوذی. اما انگیزه های نفوذ مختلف است. گاهی انگیزه برانداختن نظام است؛ گاهی رفاه و اصلاح و به اصطلاح اصلاح طلبی است؛ گاهی مقاصد خاص و سلیقه های خاص در موارد خاصی است؛ ولی به هر حال، چیزهایی است که خدا آن ها را نمی پسندد. شما مراقب باشید فریب چنین کسانی که این انگیزه ها را دارند و می خواهند در کشور شما و در نظام شما نفوذ کنند تا آن مقاصد خودشان را عملی کنند نخورید و به این ها مجال ندهید. لا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، به همه ما بصیرت کامل و توفیق انجام وظیفه مرحمت فرما؛ روح امام راحل و شهدا و حق داران ما را با انبیا و اولیا محشور فرما؛ سایه مقام معظم رهبری را مستدام بدار؛ خدمتگزاران به این نظام را برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق بدار؛ عاقبت امر همه مان را ختم به خیر فرما؛ و صل علی محمد و آل الطاهرین.

اهل اخلاصند و انگیزه دیگری ندارند، سر و سرّی با دشمنان خدا برقرار نمی کنند و مصالح اسلام را فدای منافع شخصی شان نمی کنند. در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران نیز می فرماید: **وَلِيْمَحْصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ**؛ تا کاملا خالص به دست بیاید که ته دلتان چیست و دنبال چه می گردید. هدفتان از شعارهای خوش ظاهر و فریبنده ای که می دهید چیست؟ آیا برای خدا این کارها را می کنید یا برای اغراض شخصی و منافع گروهی، حزبی و جناحی تان؟ این ها باید معلوم بشود.

باید معلوم شود این ها که شعار وحدت می دهند چه قدر راست می گویند و چه قدر تظاهر و فریبکاری می کنند. بعضی هر جا که از قافله عقب می مانند داد می زنند و اوحدتا! هر کس با ما نباشد و ما را نپذیرید اهل نفاق است. این ها خودشان اهل نفاق هستند؛ دیگران این ها را طرد کرده اند و نمی پذیرند، اما برای این که خودشان را جا بزنند می گویند: وحدت، چه وحدتی؟ با چه کسی؟ با ولیجه؟ با بطنانه؟ با این ها سر و سرّ نداشته باشید؛ فریب تان ندهند، بگویند بیایید با هم وحدت کنیم. **لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ**. این ها می گویند ما خیر خواهیم؛ هدف مان یکی است. دروغ می گویند؛ این ها به دنبال منافع شخصی خودشانند، می خواهند از موقعیت شما استفاده کنند؛ می خواهند کارشان را به دست شما اجرا بکنند؛ حواستان جمع باشد؛ گول نفوذی ها را نخورید.

نکته دیگر این که «ولیجه» و «بطنانه» مانند اکثر مقولات اجتماعی مفاهیم ذومراتب و تشکیکی است. بعضی از نفوذی ها اصلا می خواهند سر به تن شما نباشد؛ نه تنها دروغ می گویند که می خواهند با شما وحدت کنند، اصلا نمی خواهند سر به تنتان باشد، می خواهند نظامتان را براندازند، با اصل انقلابتان مخالفند، با ارزش های دینی تان مخالفند؛ می گویند این ارزش ها گذشت؛ امروز فقط ارزش ها همان ارزش های غربی است، ولی همه در این حد نیستند.

برخی دیگر همین اندازه می خواهند که از اجتماع برکنار نمانند، موقعیت و سهمی در مجلس و جاهای دیگر داشته باشند و به کلی حذف نشوند. علت نفوذی شدن شان این است که این ها حکم مرده سیاسی نداشته باشند. بعضی دیگر نفوذی بودن شان برای این است که یک سلسله سلیقه های شخصی شان را می خواهند اعمال کنند؛ نظرشان با نظر شما فرق می کند؛ در اهداف کلی ممکن است با شما موافق باشند، اما در کیفیت اجرای آن ها، در ابزارها و شگردها با شما مخالفند؛ ته دلشان هم این است که شما نمی فهمید و ساده هستید. می گویند این ها که دنبال حلال و حرام و عفاف و حجابند ساده اند؛ امروز این حرف ها را باید کنار بگذاریم. بعضی از شخصیت هایی که در همین کشور در دوره های گذشته

«ولیجه» و «بطنانه» مانند اکثر مقولات

اجتماعی مفاهیم ذومراتب و تشکیکی

است. بعضی از نفوذی ها اصلا می خواهند سر به تن شما نباشد؛ نه تنها دروغ می گویند که می خواهند با شما وحدت کنند، اصلا نمی خواهند سر به تنتان باشد، می خواهند نظامتان را براندازند.